مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی- سردبیر: مسعود فروغی
تلفن و فکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱) کدپستی: ۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

آیا چین می‌تواند در اوکراین موفق به برقراری موازنه بین اهداف خود شود؟

پکن به دنبال تعادل در روابط با روسیه و اروپا

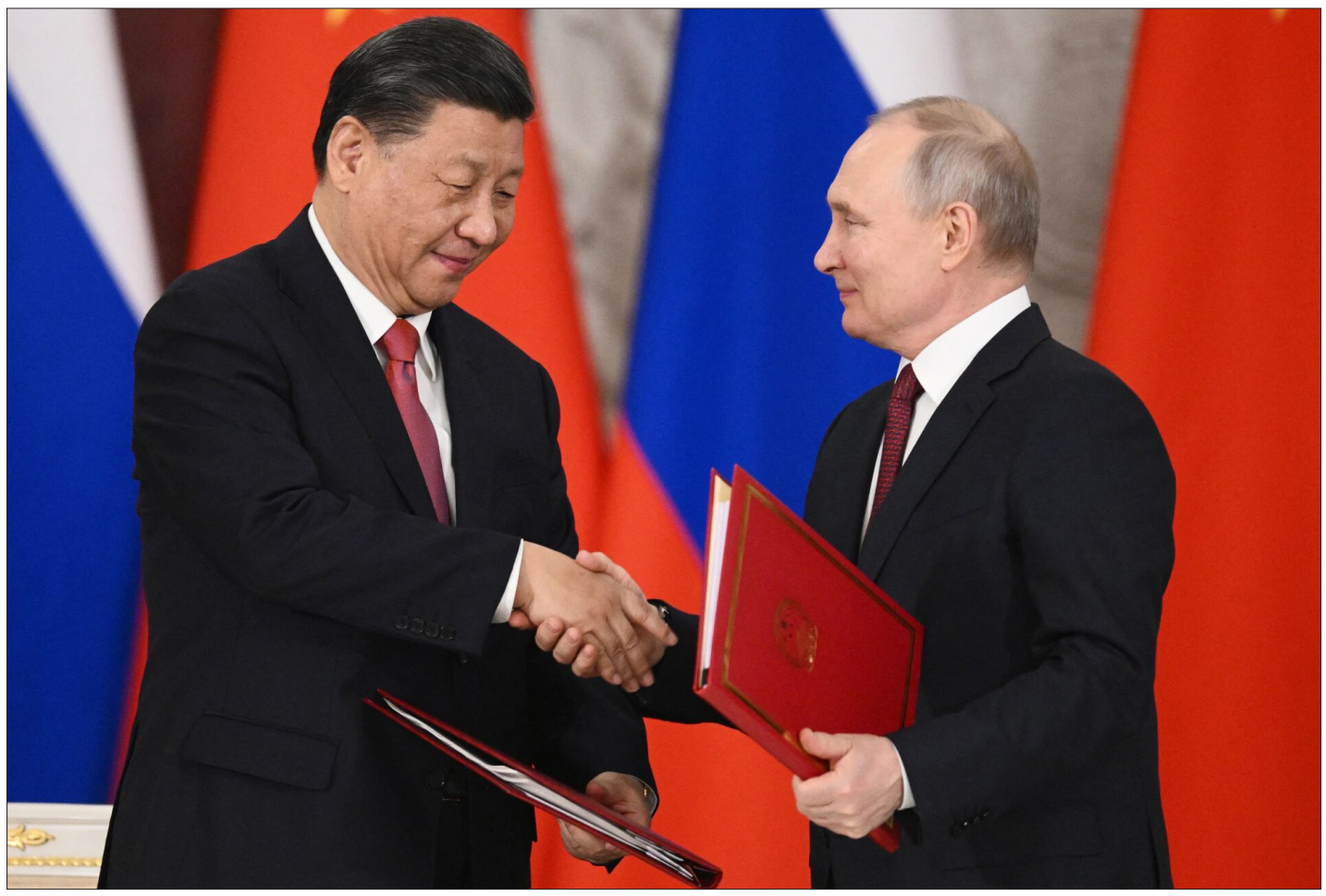

سجاد عطازاده
مترجم

بونی لین، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در مقاله «آیا چین می‌تواند در اوکراین موفق به برقراری موازنه بین اهداف خود گردد؟ پکن در تلاش است تا روابط خود با روسیه و اروپا را متعادل کند.» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده است، معتقد است چین در زمینه نبرد اوکراین در تلاش است تا ضمن تقویت روسیه، به‌عنوان بزرگ‌ترین متحد راهبردی خود، مانع فاصله گرفتن اروپا از خود نیز گردد. او در این مقاله تلاش کرده تا حتی پیشنهادهای چین برای حل‌وفصل جنگ را، به نفع روسیه بداند.

لو شایه، سفیر چین در فرانسه، ۲۱ آوریل اعلام کرد که تعلق یا عدم تعلق کریمه به خاک اوکراین «بستگی به نحوه ادراک این مساله دارد.» او با گفتن اینکه «کشورهای شوروی سابق در حقوق بین‌الملل جایگاه موثری ندارند»، بر این آتش دامن زد و نه‌تنها حاکمیت اوکراین بلکه حاکمیت بیش از ده‌ها کشور را که پیش‌تر بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند، زیر سوال برد. این اظهارات تحریک‌آمیز محکومیت گسترده‌ای را برانگیخت و ۸۰ قانون‌گذار اروپایی از دولت فرانسه خواستند که لو را اخراج کند. پکن سعی کرد وضعیت را کم‌اهمیت جلوه دهد و اظهار داشت که لو فقط نظرات شخصی خود را بیان کرده است. پنج روز پس از این سخنان لو، شی جین پینگ رئیس جمهور چین طی تماس تلفنی که از مدت‌ها پیش وعده آن را داده بود با ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین گفت‌وگو کرد. اگرچه برخی از ناظران از این تماس به‌عنوان تلاشی برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از اظهارات سفیر برای بررسی نحوه واکنش اروپا در صورت پذیرش رسمی مواضع او توسط چین طراحی شده بود. به دنبال تماس شی، چین گانگ، وزیر امور خارجه چین، در اوایل ماه مه از آلمان، فرانسه و نروژ بازدید کرد. همچنین، «لی خوئی»، نماینده ویژه جدید چین برای مقابله با مناقشه اوکراین، از اوکراین، لهستان، فرانسه، آلمان و روسیه بازدید کرد تا درباره چگونگی دستیابی به «حل‌وفصل سیاسی برای بحران اوکراین» گفت‌وگو کند. این رویدادها تلاش پکن برای برقراری موازنه بین اهداف متضاد خود در اوکراین را روشن ساخته‌اند. برای چین، روسیه به‌عنوان قوی‌ترین متحد راهبردی اولویت دارد و این مساله سبب سوگیری پکن به نفع مسکو گشته است. درعین‌حال، پکن مایل است اطمینان حاصل کند که اروپا به یک بلوک ضد چینی نمی‌پیوندد؛ هدفی که اکنون با توجه به کم شدن احتمال جلوگیری از تشدید روابط بین چین و آمریکا، اهمیت بیشتری هم یافته است. این نگرانی‌ها باعث شده تا پکن تلاش کند خود را بی‌طرف جلوه دهد و حمایت خود از روسیه را محدود سازد. با این حال، با طولانی شدن جنگ، پکن دریافته است که حفظ این موضع به‌طور فزاینده‌ای دشوار است و جنگ نزدیک‌ترین شریک راهبردی این کشور را تضعیف کرده و درعین‌حال محیط امنیتی چین را نیز پیچیده می‌سازد. درنتیجه، پکن از حاشیه خارج شده و شروع به ارائه مساعی جمیله خود برای آوردن هر دو طرف به میز مذاکره کرده است. پکن در همین راستا، چشم‌اندازی را برای امنیت جهانی بیان کرده است، درباره اوکراین یک بیانیه اعلام مواضع منتشر کرده و یک نماینده ویژه را برای تعامل با همه طرف‌های درگیر در این درگیری منصوب کرده است. همچنین به نظر می‌رسد که پکن در حال بررسی راه‌هایی برای بازنگری درگیری اوکراین به‌عنوان جنگی است که به خاطر یک تاریخ طولانی و پیچیده، به‌منظور کاهش کمک‌های خارجی به اوکراین و دفاع از منافع روسیه است. با این حال، در ایفای این نقش فعال‌تر، تلاش‌های چین احتمالا پررنگ خواهد بود اما در ارائه نتایج کند است. چین احتمالا به‌اندازه کافی برای معرفی خود به‌عنوان یک رهبر جهانی مفید و مسئول انجام می‌دهد، اما نه به‌اندازه‌ای که برای دستیابی به پایان درگیری اوکراین با شرایطی که برای هر دو طرف منصفانه و قابل قبول باشد، پاسخگو باشد.

اشتباه گرفتن

اندکی پس از حمله روسیه به اوکراین در سال گذشته، کارشناسان برجسته چینی طیف وسیعی از ارزیابی‌ها را درباره تاثیر و مسیر این جنگ ارائه کردند. بسیاری در ابتدا ارزیابی می کردند که این درگیری کوتاه خواهد بود و حتی برخی پیش‌بینی می کردند که هیچ پیامد ژئوپلیتیکی فراتر از اروپا نخواهد داشت.

حتی وقتی مشخص شد که هیچ راه‌حل سریعی برای این مناقشه وجود نخواهد داشت، باور حاکم در پکن این بود که چین باید در این نبرد دخالت نکند. یک ماه پس از شروع جنگ، گروهی از استراتژیست‌های برجسته چینی از رشته‌های مختلف دانشگاهی، ازجمله نویسندگان کتاب جنگ نامحدود- کتابی تاثیرگذار که در سال ۱۹۹۹ درباره روش‌های جدید جنگ غیرنظامی و غیر کشنده نوشته شده است- به‌طور غیررسمی در پکن گرد هم آمدند تا تاثیر این جنگ را بر نظم جهانی ارزیابی کنند. ارزیابی آنها این بود که بعید است این درگیری به‌زودی پایان یابد و چین می‌تواند از یک نبرد طولانی سود ببرد. آنها معتقد بودند که چین باید بی‌طرفی خود را حفظ کند تا این بحران را به فرصتی برای تغییر روابط خود با روسیه، ایالات‌متحده و اروپا تبدیل کند؛ که همگی باطولانی شدن جنگ متحمل هزینه‌های فزاینده‌ای خواهند شد. استراتژیست‌های چینی از ارائه کمک‌های مخفیانه به روسیه برای اطمینان از اینکه مسکو می‌تواند جنگ را ادامه دهد واز هم نپاشد حمایت می‌کردند. با این حال، آنها مخالف غلتیدن کامل به اردوگاه روسیه بودند. از منظر آنها، این درگیری می‌توانست فرصتی را برای پکن فراهم کند تا روابط خود را با ایالات‌متحده تا حدی هموار کند؛ به‌ویژه از آنجایی که شانس بیشتری برای همکاری با دولت جو بایدن، رئیس جمهور ایالات‌متحده، نسبت به دولت بالقوه ترامپ در آینده وجود داشت. آنها همچنین توصیه کردند که پکن نقش دیپلماتیک فعالی در دوران پسادرگیری ایفا کند. مطابق توصیه آنها، چین باید از مواضعی حمایت کند که اکثر کشورها از آنها پشتیبانی می کنند، مانند احترام به حاکمیت و کنار گذاشتن ذهنیت جنگ سردی؛ تا خود را برای شکل دادن به واکنش‌های بین‌المللی [نسبت به این جنگ] به شکلی که برای پکن مفید خواهد بود، در موقعیت مناسبی قرار دهد. کارشناسان مذکور همچنین مصرانه از پکن درخواست کردند تا مسئولیت‌های جدیدی از جمله نقش حَکَم و قانون‌گذار برای این نظم بین‌المللی در حال ظهور را در این حوزه برعهده بگیرد. اگرچه موضع رهبری چین له یا علیه این نظریات کارشناسان مشخص نیست، اما بسیاری از پیشنهادهای مذکور مورد استقبال پکن قرار گرفته است. مثلا، چین تلاش کرده است تا خود را در مناقشه اوکراین در موضعی بی‌طرف مطرح کند. بیانیه اعلام مواضع پکن درباره اوکراین هم که در ماه فوریه منتشر شده است، به‌طور خاص مشتمل بر نظرات این کارشناسان چینی درباره احترام به حاکمیت کشورها و کنار گذاشتن ذهنیت دوران جنگ سرد بود. با این حال، توخالی بودن خوش‌بینی محتاطانه این استراتژیست‌ها درباره توانایی پکن برای رقم زدن این مناقشه به نفع خود، به‌زودی خود را آشکار کرد. علی‌رغم تلاش‌های چین، بیشتر کشورهای توسعه‌یافته موضع این کشور را در قبال اوکراین عمیقا طرفدار روسیه تلقی کردند. بسیاری از تحلیلگران چینی هم بیم این را داشتند که ادراک مذکور از چین درباره جنگ اوکراین سبب ضربه زدن به جایگاه پکن در اروپا گردد و باعث شود دولت‌ها و مردم اروپا به چین به‌عنوان یک دشمن بنگرند. روابط ایالات‌متحده و چین هم با طولانی شدن درگیری اوکراین و روسیه بدتر شده است. واکنش چین به جنگ در اوکراین همچنین نگرانی جهانی را درباره نیات احتمالی پکن برای استفاده از زور علیه تایوان افزایش داده و درنتیجه حمایت بین‌المللی از تایپه را تقویت کرده و متعاقبا به محیط امنیتی خود چین ضربه زده است. در اواسط سال ۲۰۲۲، کارشناسان چینی پی به این نکته بردند که درگیری طولانی‌مدت برای منافع چین مضر به شمار می‌رود. دیدگاه غالب در داخل چین این بود که این نبرد یک جنگ نیابتی موردحمایت ناتو برای تضعیف روسیه است که یار چین در مقابله با سرکوب و محاصره غرب به شمار می‌رود. بسیاری معتقد بودند که ایالات‌متحده منتفع اصلی این درگیری است؛ واشنگتن درس‌های ارزشمندی را در حمایت از نبرد اوکراین، ازجمله با اعمال تحریم‌های اجباری علیه روسیه، آموخته است و می‌تواند از همین تاکتیک‌ها علیه چین در آینده استفاده کند. درعین‌حال، جنگ به واشنگتن اجازه داده است تا اتحادهای خود را در اروپا و فراتر از آن تقویت و احیا کند. کارشناسان چینی معتقدهستند که درگیری اوکراین روسیه را تضعیف کرده است، اما تردید دارند که تضعیف ایالات‌متحده یا اتحادیه اروپا هم به همین میزان رخ داده باشد.

نگرانی پکن درباره مناقشه اوکراین در سال گذشته تشدید شد. علاوه‌بر اینکه روسیه با مقاومت شدید نظامی اوکراین و کمبود تسلیحات و مهمات روبه‌رو شده بود، کارشناسان چینی نگران احتمال رویارویی مستقیم واشنگتن و مسکو با تشدید تنش هسته‌ای بودند. در صورت وقوع یکی از این دو سناریو، چین دیگر نمی‌توانست به ایستادن در حاشیه و تماشا اکتفا کند. تحلیلگران چینی معتقد بودند که روسیه شاید از سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان آخرین راه‌حل و درصورت احساس خطر شکست در جنگ استفاده کند؛ رسانه‌های چینی هم به‌طور هم‌زمان گزارش‌هایی را درباره تهدیدات هسته‌ای مکرر روسیه و رزمایش‌های اکتبر ۲۰۲۲ با حضور نیروهای هسته‌ای راهبردی این کشور منتشر می کردند. با این حال، چین بر این عقیده بود که خطر استفاده از تسلیحات هسته‌ای تنها محدود به روسیه نیست و ناتو هم در شاخ‌وشانه کشیدن‌های هسته‌ای نقش‌آفرینی کرده است؛ امری که نمود بارز آن رزمایش بازدارندگی هسته‌ای بود که هم‌زمان با رزمایش‌های هسته‌ای روسیه انجام گرفت.

این نگرانی در ادبیات فزاینده شی درباره جنگ اوکراین مشهود است. شی جین پینگ در ماه نوامبر در هنگام میزبانی از اولاف شولز، صدراعظم آلمان در پکن اظهار داشت که جامعه بین‌المللی باید «مخالف استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باشد، از عدم امکان به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای حمایت کند و مانع وقوع یک بحران هسته‌ای در اروپا شود.» او در اواخر همان ماه و طی گفت‌وگو با بایدن در بالی درباره بحران اوکراین اظهار داشت که «درگیری‌ها و جنگ‌ها هیچ برنده‌ای ندارند» و «باید از رویارویی بین کشورهای بزرگ اجتناب شود.» بیم چینی‌ها از نبرد اوکراین در گزارش‌های پوشش داده‌شده توسط رسانه‌های این کشور نمود یافته است. در ماه دسامبر، روزنامه‌های چینی ارزیابی‌های کارشناسان روسیه را منتشر کردند که مطابق آن درگیری اوکراین منجر به رویارویی مستقیم نظامی بین ایالات‌متحده و روسیه در سال ۲۰۲۳ خواهد شد. این رسانه‌ها همچنین از حادثه به‌وقوع‌پیوسته در اواسط ماه مارس که در آن یک هواپیمای جنگی روسی پهپاد جاسوسی آمریکا را سرنگون کرد، با ادبیاتی مشابه غربی‌ها، به‌عنوان اولین رویارویی مستقیم بین نیروهای نظامی مسکو واشنگتن یاد کردند.

در همین زمان، پکن شاهد ایجاد شکاف‌هایی در حمایت غرب از اوکراین بود. گزارشی که در اواخر فوریه توسط موسسه روابط بین‌الملل معاصر چین، یک موسسه تحقیقاتی برجسته که زیر نظر وزارت امنیت دولتی چین قرار دارد، منتشر شد، نشان می‌داد که رهبران غربی «شاید با کمک‌های بلندمدت به اوکراین مخالفت کنند و از آن خسته شوند.» در این مطلب همچنین خاطرنشان شده بود که رهبران آلمان، فرانسه و بریتانیا شروع به اعمال فشار بر زلنسکی برای مذاکره با روسیه کرده‌اند و همچنین صداهایی در ایالات‌متحده شنیده می‌شود که خواستار پایان دادن به کمک به اوکراین و حامی دستیابی به صلح هستند. شی جین پینگ با تکرار این خط فکری در تماس ماه آوریل خود با زلنسکی، خاطرنشان کرد که «تفکر و اظهارات منطقی [اکنون] در رابطه با درگیری در حال افزایش هستند» و بنابراین مهم است که «از فرصت استفاده کرده و شرایط مساعدی [برای صلح] ایجاد کرد.» این تحولات، به همراه فشار مداوم بین‌المللی بر چین برای عدم ارائه تسلیحات مرگبار به روسیه، وانگ یی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست را بر آن داشت تا در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه هشدار دهد که این درگیری ممکن است «تشدید و طولانی شود.» او اظهارات شی جین پینگ را تکرار کرد که در جنگ‌ها برنده‌ای وجود ندارد و افزود که درگیری اوکراین «دیگر نباید ادامه یابد.» اندکی پس از آن، وزیر امور خارجه چین، «چین گانگ» هم گفت که پکن عمیقا نگران است که درگیری اوکراین و روسیه «از کنترل خارج شود.» این اولین باری بود که پکن از این عبارت استفاده می کرد.

اصلاح مسیر

این تغییر ارزیابی باعث شده پکن رویکرد خود را نسبت به درگیری در اوکراین تغییر دهد. درحالی که این کشور پیش‌تر در حاشیه قرار گرفته بود، اما در ماه‌های اخیر با احتیاط وارد عرصه شده است. دولت چین قصد دارد خود را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی که می‌تواند در گیری‌های بین‌المللی را حل کند، نشان دهد. در ۲۱ فوریه، این دولت «سند مفهومی ابتکار امنیت جهانی» خود را منتشر کرد که در آن چشم‌انداز شی برای چگونگی حل چالش‌های امنیتی که جهان با آن مواجه است، ارائه شده است. در این سند وعده داده شده «علل ریشه‌ای درگیری‌های بین‌المللی از بین برده شود» و «حکمرانی امنیت جهانی بهبود بخشیده شود.» به‌علاوه از نفوذ جهانی گسترده واشنگتن نیز انتقاد و قول داده شده این واقعیت که تنش‌های منطقه‌ای و جهانی «اغلب» تحت رهبری ایالات‌متحده «رخ می‌دهند»، اصلاح شوند.

سه روز بعد چین یک سند اعلام مواضع درباره اوکراین منتشر کرد که در آن ۱۲ اصل کلی برای حل‌وفصل سیاسی مناقشه اوکراین و روسیه مطرح شد. در این اعلامیه سخنان مسکو تکرار شده و حتی از اشاره به اینکه روسیه به اوکراین حمله و حاکمیت آن را نقض کرده است، خودداری شده بود، البته سند مذکور شامل نکاتی مانند نیاز به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی هم بود که به‌نظر می‌رسید منافع اوکراین را تامین می کند. چین در این مدت یک پیروزی دیپلماتیک در نقطه دیگری از جهان هم به‌دست آورد. در ۱۰ مارس، عربستان سعودی و ایران توافقی را برای احیای کامل روابط دیپلماتیک اعلام کردند. آنها مدعی بودند که این پیشرفت به‌دلیل «ابتکار ارزشمند» شی به‌دست آمده است؛ بنابراین این اتفاق نشان‌دهنده اولین موفقیت ابتکار امنیت جهانی به‌شمار می‌رود. اما درواقع چین این تلاش را آغاز نکرده بود و این ایالات‌متحده بود که عربستان سعودی و ایران را تشویق کرد تا در سال ۲۰۲۱ گفت‌وگوها را آغاز کنند. چین حداکثر یک مکان مناسب برای این دو کشور فراهم کرد تا اختلافات خود را حل کنند و بازیگر بی‌طرفی بود که می‌توانست هریک از طرفین را متقاعد کند تا با حسن نیت عمل کند. با وجود این، این امکان وجود دارد که این دستاورد شی را نسبت به آنچه می‌تواند در دیگر جبهه‌های دیپلماتیک به‌دست آورد، بیش از حد مطمئن کرده باشد.

با توجه به شرایطی که توصیف شد، شی تلاش‌های خود را در زمینه جنگ اوکراین افزایش داد. او در اوایل ماه مارس میزبان الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس و یکی از متحدان نزدیک کرملین بود و سپس برای دیدار با پوتین به مسکو رفت. در اواخر ماه مارس و آوریل، شی جین پینگ شخصا با تعدادی از رهبران جهان ملاقات کرد تا درمورد اوکراین با آنها گفت‌وگو کند – درواقع او به‌دنبال آن بود که علاوه‌بر اروپایی‌ها، به‌نظرات کشورهای کلیدی در حال توسعه هم بها دهد. شی در همین راستا با لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس جمهور برزیل که خواستار تشکیل «گروه ۲۰ صلح» متشکل از کشورهای بی‌طرف برای ایفای نقش دیپلماتیک شده بود، دیدار کرد، سپس در اواخر آوریل به درخواست اوکراین با زلنسکی تماس گرفت و نماینده ویژه‌ای را برای تعامل با همه طرف‌ها درباره چگونگی دستیابی به یک راه‌حل سیاسی برای این درگیری تعیین کرد.

امید واهی؟

میزانی که چین می‌تواند از این تلاش‌های دیپلماتیک منتفع شود، بستگی به چگونگی ادامه عملکرد آن دارد. پکن پیشنهاد خاصی درباره چگونگی حل مناقشه در اوکراین ارائه نکرده است و اگر رویکرد آن همان روشی باشد که پیش‌تر در طول مذاکرات ۶ جانبه درباره کره شمالی یا میانجی‌گری پکن بین عربستان سعودی و ایران شاهد آن بودیم، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان انتظار ارائه یک راه‌حل دیپلماتیک خلاقانه را از سوی آن داشت. پکن شاید بتواند هر دو طرف را به‌پای میز مذاکره بکشاند، اما متقاعد کردن جامعه بین‌الملل مبنی بر اینکه یک واسطه صادق است، راه درازی در پیش دارد.

اگرچه پکن بر فشار ظاهرا بی‌طرفانه خود برای یافتن راهی به‌سوی صلح از طریق گفت‌وگوی مستقیم تاکید دارد، اما تصویری که از ایالات‌متحده و ناتو، در قالب دامن‌زنندگان به این مناقشه از طریق تسلیح اوکراین دارد، جنبه مهمی از گفتمان آن را آشکار می کند. این روایت با هدف گردهم آوردن جنوب جهانی و تضعیف استدلال‌های ایالات‌متحده و اروپا مبنی بر ضرورت حمایت جامعه بین‌الملل از اوکراین ارائه می‌شود.

واقعیت این است که اگر حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی خارجی اوکراین از بین برود، این کشور قادر به ادامه جنگ نخواهد بود. ایالات‌متحده و اروپا پیش‌تر از کشورهایی که در حاشیه تنها مشغول نظاره جنگ بوده‌اند، درخواست کرده‌اند که به‌تامین ذخایر تسلیحاتی اوکراین کمک کنند و به‌همین دلیل فشار چین برای گفت‌وگو مذاکره می‌تواند کی‌یف را متضرر کند، زیرا ممکن است سایر کشورها در چنین شرایطی نسبت به ارائه کمک‌های بیشتر به اوکراین احتیاط کند. درعین‌حال درخواست چین برای آتش‌بس فوری می‌تواند به روسیه اجازه دهد تا دستاوردهای خود را در زمانی که هنوز بخش‌های قابل توجهی را از خاک اوکراین در کنترل دارد، تثبیت کند.

گفتمان سیاست خارجی درحال تحول چین برای اوکراین مطلوب نیست. کارشناسان چینی در تلاشند تناقض بین تاکید پکن بر احترام به حاکمیت و امتناع این کشور از توصیف این درگیری به‌عنوان حمله روسیه به اوکراین را حل کنند. برخی محققان چینی پیشنهاد کرده‌اند که حاکمیت و تمامیت ارضی باید به‌عنوان تنها یکی از ۱۲ اصل اصلی برای چین درنظر گرفته شود تا این کشور قادر به برقراری موازنه گردد؛ به‌عبارت دیگر حاکمیت و تمامیت ارضی مهم‌ترین اصل یا ارزشی که باید به‌طور مطلق مورد احترام قرار گیرد، به‌شمار نمی‌روند.

اما اگر چین بخواهد موضع خود را مبنی بر غیرقابل مذاکره بودن حاکمیت و تمامیت ارضی حفظ کند، آنگاه زیرسوال بردن حاکمیت دولت‌های شکل گرفته پس از فروپاشی شوروی توسط لو شایه ممکن است راه‌حل مناسبی برای گریز از این وضعیت باشد؛ کما اینکه علی‌رغم محکومیت بین‌المللی اظهارات لو، پکن هنوز به‌هیچ‌وجه به‌جز رد کردن اظهارات او، لو را به‌طور علنی توبیخ نکرده است و حتی هفته گذشته، وزارت خارجه چین با تکذیب «اطلاعات نادرست» مبنی بر فراخواندن لو به چین به دفاع از وی پرداخت.

اظهارات لو درواقع با روح دو ادعای چینی‌ها همخوانی دارد: اینکه روسیه «نگرانی‌های امنیتی مشروع» برای استفاده از زور علیه اوکراین دارد و اینکه بحران اوکراین ناشی از «پیشینه‌های تاریخی عمیق و دلایل پیچیده واقع‌بینانه» است. به‌عبارت دیگر پکن می‌تواند استدلال کند که تهاجم روسیه در سال ۲۰۲۲ درواقع آغازگر درگیری در اوکراین نبوده است. اگر چنین باشد روسیه تنها متجاوز نیست و حل‌وفصل مناقشه مستلزم بازگشت به زمانی است که اوکراین (و کریمه) بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند. این امر می‌تواند فشار برای دستیابی به حل‌وفصل سیاسی را- که در آن روسیه کنترل بخش‌هایی از اوکراین را که فتح کرده همچنان حفظ خواهد کرد- آسان‌تر کند.

چین نیازی به استدلال ندارد که تهاجم روسیه به اوکراین از نظر اخلاقی درست بوده است و چنین استدلال‌هایی احتمالا از سوی غرب رد خواهد شد. پکن باید فقط در زمینه جنگ ابهام ایجاد کند تا بتواند در استدلال‌های اخلاقی ایالات‌متحده و اروپا تردید ایجاد کند. این احتمال وجود دارد که پکن با طولانی شدن درگیری، روی تفرقه و خستگی فزاینده غربی حساب کند؛ امری که می‌تواند به کشورهای جنوب جهانی اجازه دهد تا فشار بر غرب را برای پایان دادن به جنگ افزایش دهند. از آنجا که توانایی‌های روسیه و اوکراین بیش از پیش فرسوده خواهد شد، هر دو طرف ممکن است به‌دنبال راهی برای خروج از جنگ باشند.

یک صلح‌ساز سوال‌برانگیز

جامعه بین‌الملل نباید بیش از حد به تلاش‌های میانجی‌گری چین امیدوار باشد یا تلاش‌های موجود برای جلوگیری از تجاوز روسیه یا ایجاد شرایط برای پایان دادن به درگیری را تغییر دهد. تلاش‌های پکن احتمالا پرهیاهو بوده اما از نظر ماهیت کند و مشکوک هستند. پکن آگاه است که دستیابی به هر نوع راه‌حل سیاسی بسیار دشوار خواهد بود و تمایلی ندارد که در صورت ناموفق بودن تلاش‌های خود، سرزنش شود. درعین‌حال چین خواستار کسب اعتبار ناشی از هر پیشرفت حاصله است. این تمایلات دوگانه در این اظهارات شی که چین «نه بحران اوکراین را ایجاد کرده و نه یکی از طرفین بحران» است و اینکه چین نمی‌تواند هم‌زمان با تشدید درگیری «بیکار بنشیند» مشهود است. پکن همچنین تمایلی برای تحمیل هزینه به مسکو در صورت امتناع کرملین از پیروی دیپلماتیک از چین ندارد. در ماه مارس امسال، شی و پوتین بیانیه مشترکی صادر کردند که در آن استقرار سلاح‌های هسته‌ای در خارج از مرزهای هر کشور را رد کرده بودند اما زمانی که پوتین چند روز بعد اعلام کرد که در خاک بلاروس سلاح‌های هسته‌ای مستقر خواهد کرد، چین چشمان خود را بر این اتفاق بست. چین با احتیاط پیش خواهد رفت و در ارائه چیزی بیشتر از آوردن اوکراین و روسیه به میز مذاکره محتاط خواهد بود. درواقع پکن به‌احتمال زیاد بر ایجاد موازنه در اولویت‌های متناقض خود- از یک‌سو حفظ روابط با مسکو از سوی دیگر عدم راندن کامل کشورهای اروپایی از خود- از طریق انجام اقدامات کافی برای منحرف کردن انتقادها از نقش خود تمرکز خواهد داشت. چین می‌خواهد نشان دهد که بازیگری مفید در این میان است، اما نمی‌خواهد متهم شود که در فرآیند دیپلماتیک منافع یکی از طرفین را مرجح می‌داند.

اگر پکن در نهایت پیشنهادهای مشخصی برای حل‌وفصل جنگ ارائه دهد، این خطر وجود دارد که حتی توصیه‌های به‌ظاهر بی‌طرفانه آن، مانند توقف جنگ، منافع روسیه را در اولویت قرار دهد. پکن خواستار آن است تا نقش دیپلماتیک فعال‌تری ایفا کند، اما واقعیت این است که در این عرصه تجربه کمی دارد.